

International Conference on "the Third Millennium and Humanities"

May 11, 2016

کنفرانس بین المللی هزاره سوم و علوم انسانی



بررسی حقوق فرزند بر والدین و ارتباط این حقوق با تربیت و تأدیبات وی

سید محمد جواد وزیری فرد^۱، تکتم قرایی^۲

۱- استاد دانشگاه قم، عضو هیات علمی گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی

۲- مدرس دانشگاه گنبد کاووس

(tookil368@yahoo.com)

خلاصه

حقوق فرزند به دو بخش کلی دوران قبل از تولد (بارداری) و دوران بعد از تولد تقسیم می شود که در این مقاله تنها بخش دوم یعنی حقوق فرزند در دوران بعد از تولد بررسی می گردد. از آنجایی که بین تأدیبات حقوق فرزند و تأدیبات جسمی او ناسازگاری به نظر می رسد باید این ناسازگاری را مورد پژوهش قرار داد. بنابراین یکایک این حقوق بطور جداگانه بررسی خواهد شد و ارتباط این حقوق با تربیت و تأدیبات فرزند را بیان می کنیم. بررسی ها نشان داد قانونگذار کشور ما، در صورتی که والدین با اقدام به تأدیبات، از ادای حقوق فرزند مانع شوند، تنها در بعضی از این حقوق، ضمانت اجرایی برای خودداری آنان از تأدیبات فرزندانشان مشخص نموده است.

کلمات کلیدی: حقوق فرزند، والدین، تأدیبات، حقوق متزاخم، قاعده لاضرر

۱. مقدمه

والدین نقش بسیار مهمی در تربیت فرزند برعهده دارند و از آنجا که تأدیبات فرزند از اهم وظایف آنان محسوب می گردد لازم است بیش از پیش به این امر مهم توجه گردد. چنانکه در جامعه مشاهده می شود بسیاری از والدین به جهت اعمال روش های تربیتی نادرست و همچنین تجاوز از حدودی که شرع و قوانین در راستای تأدیبات فرزند برای آنان تعیین نموده، فرزندان خود را از تربیت صحیح و از حقوقی که دین اسلام و قانون کشور ما از کودکی برای فرزندان در نظر گرفته است محروم کرده اند.

از آنجایی که بیشترین مسئولیت اعمال حقوق مادی و معنوی فرزندان و رعایت آن برعهده پدر و مادر است، بر این اساس باید سعی شود تا به بهترین نحو حقوق آنان استیفا گردد. کودکان به واسطه محدودیت های طبیعی و اجتماعی خود، علاوه بر والدین، به حمایت قانونگذار و جامعه نیز نیازمند می باشند. به این دلیل که بیش از سایر اقشار جامعه آسیب پذیر بوده و خطرهای جسمی، روحی و تربیتی آنها را تهدید می نماید، این قانونگذار، والدین و سازمان های بین المللی هستند که باید از حقوق آنان دفاع و امکان اجرای مطلوب و همچنین ضمانت اجرای آن را فراهم آورند. در کنوانسیون حقوق کودک نیز، بیشترین مسئولیت در رعایت حقوق کودک به والدین واگذار شده، چنان که در ماده ۱۸، کشورهای طرف کنوانسیون متعهد شده اند: بیشترین تلاش خود را برای تضمین به رسمیت شناختن این اصل که پدر و مادر کودک، مسئولیت مشترکی در زمینه رشد و پیشرفت کودک دارند، به عمل آورند. والدین یا قیم قانونی، مسئولیت عمده را در رشد و پیشرفت کودک به عهده دارند و اساسی ترین مسئله آنان، حفظ منافع عالی کودک است. در این مقاله حقوق فرزند در دوران بعد از تولد که به تأدیبات فرزند مرتبط است مورد بررسی قرار می گیرد.

۲. مفهوم و تعریف تأدیبات

۱-۲. تأدیبات در لغت

تأدیبات در لغت به معنی تعلیم، ریاضت نفس و کسب محاسن اخلاقی است. همچنین به معنی مجازات نمودن به جهت ارتکاب فعل ناپسند نیز بکار می رود (طریحی، ۱۴۱۴، ۲۸؛ ابن منظور، ۵۰، ۱۴۱۶؛ فیومی، ۱۴۰۵، ۹).. در اصطلاح فقهی، مقصود از تأدیبات همین تعزیر است، یعنی مجازات کمتر از حد. و از آنجایی که

International Conference on "the Third Millennium and Humanities"

May 11, 2016

کنفرانس بین المللی هزاره سوم و علوم انسانی



کودکان همانند بزرگسالان مشمول مجازات تعزیر قرار می گیرند، به همین جهت در روایات و عبارات فقها در ارتباط با تعزیر کودکان از لفظ تأدیب استفاده شده که مقصود از آن مجازاتی خفیف و سبک تر از تعزیر بزرگسالان می باشد (حراعلمی، ۱۲۸۸، ۵۸۰). بگونه ای که کودک را از انجام مجدد فعل ناپسند بازدارد.

۲-۲. تأدیب در اصطلاح

واژه ی تأدیب در اصطلاح به سه دسته تقسیم بندی می شود:

- الف) تأدیب به معنای تربیت: در برخی از روایات (کلینی، ۱۴۰۷، ۲۶۶) مشاهده شده که لفظ تأدیب بکار رفته ولی معنای تربیت اراده شده است.
- ب) تأدیب به معنای مطلق تنبیه: منظور از آن روش خاص ادب آموزی و تربیت است تا رفتاری ترک شود یا به رفتاری عمل گردد.
- ج) تأدیب به معنای حد و تعزیر (تأدیب در اصطلاح حقوقی): که در برخی از کتاب های فقهی (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ۱۴۵) از جمله حدود و دیات و به این معنی به کار رفته است. این معنا نزد فقها در دو مورد به کار می رود. (حلی، ۱۴۰۸/۹۴۱؛ ابن ادریس حلی، ۵۳۳، ۱۴۱۱؛ موسوی خمینی، ۵۹۹، ۱۴۱۷، ۲)۱. در مورد کودک یا مجنونی که جرم و جنایتهای غیر حدی از او صادر میشود.
- ۲ انسان بالغ و عاقلی که جرم و جنایتهای غیر حدی از او صادر میشود. (مروارید، ۱۴۱۳، ۴۱۳)

۳. حقوق فرزند بر والدین

۳-۱. حق تربیت

تربیت به عنوان حقی بشری از حقوق اساسی فرزند محسوب می شود. هر کودک از آن رو که یک انسان است، این حق را داراست. آن تربیتی مورد نظر است که متناسب با نیازها و ابعاد وجودی شخصیت کودک باشد. چنانکه در اصطلاح حقوقی تربیت به معنای پرورش روحی و اخلاقی اطفال به کار رفته است (صفایی و امامی، ۱۴۹، ۱۳۸۱، ۲).

اسلام همانطور که برای سلامت جسمی فرزندان اهمیت قائل است، توجه به جنبه های روحی و اخلاقی آنان را نیز لازم دانسته است. به عبارت دیگر توجه به نیازهای مادی فرزندان، مقدمه و زمینه لازم برای کسب ارزشهای اخلاقی آنهاست.

به همین ترتیب نیاز به پرورش عاطفی، ضرورت سلامتی روانی، کسب فضایل اخلاقی، آشنایی و پایبندی به آداب و سنن اجتماعی، معرفت حق مهم تربیت برای کودک است. لزوم محبت به کودکان در انبوهی از روایات (الکلینی، ۱۴۰۱، ۴۸۶؛ العاملی، ۱۴۱۴، ۳۶۰؛ مجلسی، ۲۳۱، ص ۱۱۳) تنها یک ارشاد اخلاقی نیست، بلکه لسان ادله و سیره معصومان امکان پذیرش یک الزام حقوقی را فراهم می آورد. در اصل ۶ اعلامیه جهانی کودک نیز آمده است: کودک جهت پرورش کامل و متعادل شخصیت خویش، نیاز به محبت و تفاهم دارد و باید حتی الامکان تحت توجه و سرپرستی والدین خود به هر صورت در فضایی پر محبت در امنیت اخلاقی و مادی پرورش یابد که مهمترین نتیجه پرورش عاطفی، امنیت اخلاقی است.

در قرآن کریم نیز به این اصل مهم تاکید شده که خداوند می فرماید: «قُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْنِي صَغِيرًا» یعنی پدر و مادر خویش از درگاه خداوند در زمان حیانتشان طلب مغفرت و رحمت بنما، پاداش آنچه تو را در کودکی تربیت نموده اند. از کلمه «إِرْحَمَّهُمَا» استفاده می شود پدر و مادر باید براساس محبت فرزند خود را تربیت نمایند (مکارم شیرازی، ۷۱، ۱۳۸۰..). آنچه بیش از همه در تعالیم اسلامی مورد تأکید است، جنبه های تربیتی و اخلاقی فرزند است. براین اساس ارائه تربیتی نامناسب با ویژگی و خصایص و مصالح عالی فرزند، محروم ساختن وی از حق تربیت اوست

International Conference on "the Third Millennium and Humanities"

May 11, 2016

کنفرانس بین المللی هزاره سوم و علوم انسانی



برخی از صاحب نظران تعلیم و تربیت معتقدند که پدر و مادراگر در انجام این مسئولیت سنگین الهی، وجدانی و اجتماعی غفلت و سهل انگاری کنند، بزرگترین خیانت ها را نسبت به فرزندانشان مرتکب شده اند، زیرا با تربیت های غلط و اشتباه خود، اسباب بدبختی آنها را فراهم ساخته اند و چنین جنایتی در جهان آخرت بی کیفی نخواهد ماند (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۱، ۴۹)

۲-۳. حق تمامیت جسم

از آنجا که حق حیات حقی اساسی در حقوق بشر محسوب می شود، تمامیت جسمانی افراد (نجفی، ۱۶۷، ۱۴۰۴). به عنوان حقی مبتنی بر کلیت جسمانی، از مهمترین حقوق انسانی قلمداد می شود. این حق که از حقوق اساسی همه انسان ها به شمار می آید، در مورد کودکان نیز از بدو حیات جاری است و کسی حق سلب آن را ندارد. و تجاوز به آن توسط هر فردی حتی والدین، مستوجب مجازات های قانونی می شود. جسم کودک علاوه بر اینکه باید از هر گونه آزار و ایراد لطمه نیز مصون بماند، باید از تغذیه و بهداشت نیز مناسب برخوردار باشد. زیرا جسم و بدن کودک در هر مرحله ای که قرار دارد، نیازمند رشد کامل فیزیکی است. لذا فراهم آوردن تغذیه مناسب و مراقبت های بهداشتی از تکالیف ولی و سرپرست کودک به شمار می رود. بنابراین حق تمامیت جسم از دو جنبه ثباتی و سلبی تشکیل شده است که ایجاب می نماید، تغذیه و بهداشت برای کودک لازم و ضروری باشد و آزار و اذیت ممنوع گردد. این حق ابعاد گوناگونی را دربر می گیرد که در ذیل به هر یک از آنها پرداخته خواهد شد.

۱-۲-۳. حق تغذیه با شیر مادر

در اسلام، تغذیه با شیر مادربه عنوان یکی از حقوق کودک به رسمیت شناخته شده و پیرامون آن در آیات و روایات به تفصیل سخن به میان آمده و در متون فقهی درباره جنبه های مختلف آن بحث شده است. اهمیت این امر از آن جهت است که در دوران شیرخوارگی علاوه بر اینکه ساختمان جسمی کودک محکم می شود، ساختمان روحی او نیز پرورش می یابد. حضرت امیر المومنین (ع) نیز در این باره می فرماید: «ما مِنْ لَبَنٍ يَرْضَعُهُ بِالصَّبِيِّ أَعْظَمَ بَرَكَهَ عَلَيْهِ مِنْ لَبَنِ أُمِّهِ» هیچ شیری برای کودک با برکت تر از شیر مادرش نیست (کلینی، ۱۴۰۷، ۶۴۰؛ طوسی، ۱۳۹۰، ۱۰۸؛ صدوق، ۱۴۱۰، ۴۷۵). با توجه به فرمایش امام (ع) می توان دریافت که کودک نه تنها بهره مند از حق تربیت جسمی و تغذیه است، بلکه این حق را دارد که از بهترین تربیت های جسمی علی الخصوص بهترین غذاها بهره مند گردد. به ویژه در جایی که این امر بطور طبیعی و خدادادی برای او فراهم شده است. حق تغذیه کودک بطور رسمی در اصل چهارم اعلامیه جهانی حقوق کودک، مصوب ۱۹۴۸ نیز، با این عنوان که کودک باید امکان برخوردار از تغذیه، مسکن، تفریحات و خدمات پزشکی مناسب را داشته باشد، مورد تصریح قرار گرفته است.^۱

۲-۲-۳. حق نگهداری و حفاظت (حضانت)

۱. رک اسناد بین المللی حقوق بشر، انتشارات کمیته ایرانی حقوق بشر ۱۵۷/۱

International Conference on "the Third Millennium and Humanities"

May 11, 2016

کنفرانس بین المللی هزاره سوم و علوم انسانی



از آنجا که حضانت از مهم ترین نهادهای موثر در تربیت و رشد جسمی و روحی کودکان و در نتیجه سلامت جسمی و روحی افراد جامعه است، از مباحث حائز اهمیت در فقه اسلامی نیز تلقی شده و با نگره داری و سرپرستی فرزندان ارتباط تنگاتنگی دارد. بنابراین فقهاء در تعریف حضانت، کلمه تربیت را بکار برده اند که نشان از توجه آنان به تربیت روحی و جسمی و مادی و معنوی بطور توأمان است. آن گونه که از کلام فقیهان برمی آید، در حضانت کودک آنچه اصل است، رعایت مصلحت کودک است. (فلاح، ۱۳۸۴؛ ش: ۷-۶-۵-۲۸)

در مراحل نخست زندگی طفل، حضانت بر عهده مادر است. زیرا به طور طبیعی و منطقی، طفل در آن زمان، بیشتر به مراقبت جسمی و احساسات و عواطف که توان تأمین آنها از سوی مادر بیشتر است، نیازمند می باشد و حتی رشد و شکوفایی تعقل او نیز مرهون گذراندن زندگی پر احساس است. این دوران همان هفت سال اول زندگی کودک است که از آن به دوران سیادت کودک یاد شده است (صدوق، ۱۵۸، ۱۴۱۰؛ حر عاملی، ۴۷۶). بنابر ماده ۱۱۶۹ اصلاحی قانون مدنی برای نگره داری و حضانت طفل (چه پسر و چه دختر) که ابوبن او جدا از یکدیگر زندگی می کنند، مادر تا سن هفت سالگی اولویت دارد و پس از انقضای این مدت حضانت فرزند با پدر می باشد.

همچنین قانونگذار ایران در ماده ۱۱۷۲ مقرر می دارد: هیچ یک از ابوبن حق ندارند در مدتی که حضانت طفل به عهده آنهاست، از نگره داری او امتناع کنند. در صورت امتناع یکی از ابوبن، حاکم باید به تقاضای دیگری یا تقاضای قیم یا یکی از اقربا یا به تقاضای مدعی العموم، نگره داری طفل را به هریک از ابوبن که حضانت به عهده اوست، الزام کند و در صورتی که الزام، ممکن یا موثر نباشد، حضانت را به خرج پدر و هرگاه پدر فوت شده باشد، به خرج مادر تأمین کند. نکته قابل ذکر این است که قانونگذار بنابر شرایط کلی که برای مسئول حضانت وجود دارد و در منابع معتبر فقه اسلامی به آن اشاره شده، نگره داری و تربیت اطفال را بر عهده هر شخصی واگذار نمی کند، هر چند شخص والدین طفل باشند. مهم ترین این شرایط عبارتند از: سلامت روحی و جسمی، صلاحیت اخلاقی جهت تربیت طفل، بلوغ، عقل و اسلام (العاملی، ۱۴۱۳، ۴۶۸؛ نجفی، ۱۴۰۴، ۲۸۷). در ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی (اصلاحی ۱۳۷۶/۸/۱۱) که به جنبه معنوی و اخلاقی حضانت اشاره می کند، اجازه داده شده که: هرگاه در اثر عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادری که طفل تحت حضانت اوست، تربیت اخلاقی او در معرض خطر باشد، محکمه به تقاضای اقربای طفل یا به تقاضای قیم او یا به تقاضای رئیس حوزه قضایی، هر تصمیمی را که برای حضانت طفل، مقتضی بداند، اتخاذ کند. نکته قابل ذکر این است که یکی از مصادیق عدم مواظبت و انحطاط اخلاقی والدین، تکرار ضرب و جرح خارج از حد متعارف است که با مبحث تأدیب در ارتباط است.

۳-۲-۳. حق نظافت و بهداشت جسمی

از آنجایی که کودک در سال های آغازین حیات خود قادر به نظافت خویش نیست و اگر کمک والدین نباشد او در معرض بیماری های بسیار قرار می گیرد. از جمله فروع پذیرش حق سلامت کودکان، اهتمام به معالجه کودکان و صبر و تحمل در مقابل بیماری ها و اذیت و آزارهایی است که متوجه والدین می شود. بر این اساس به دلیل آسیب پذیری که شخص خصوصاً در دوران کودکی دارد و در تأمین نیازهایش وابستگی زیادی به والدین خود دارد، بی توجهی عمدی والدین نسبت به این حق کودک مثل بی توجهی به جهت تأدیب کردن فرزند، بازداشتن او از نیازهای اساسی برای رشد توانایی های جسمی، هوشی و عاطفی محسوب می شود و از آنجا که بی توجهی به کودک به صورت ترک فعل ارتکاب می یابد، بی توجهی را می توان به پنج دسته رفتار تقسیم کرد (جلیلی، ۱۳۷۴) که دو دسته آن به عدم توجه والدین نسبت به فرزند در این مبحث مرتبط می باشد.

۱- ضعف پرورشی که باعث اختلال رشد می شود.

۲- نقایص سرپرستی و مراقبت که باعث می شود کودک در معرض خطر بیشتر صدمات قرار گیرد.

باید بیان داشت که کشور ما در قوانین خود هیچ گونه ضمانت اجرایی برای ممانعت از حق بر سلامت و بهداشت کودکان توسط والدین مقرر نکرده است. این در حالی است که در ماده ۲۴ کنوانسیون حقوق کودک و موازین اسلام نیز بر دارا بودن این حق تأکید شده است و عدم اعمال این حق اگرچه در راستای تأدیب نیز نبوده باشد، سلامت جسمی فرزند را به خطر می اندازد که آثار منفی متعددی را برای وی در بر دارد.

International Conference on "the Third Millennium and Humanities"

May 11, 2016

کنفرانس بین المللی هزاره سوم و علوم انسانی



۳-۲-۴. حق بازی و ورزش

در متون اسلامی دو حق در زمینه تربیت بدنی کودک به رسمیت شناخته شده است که یکی از آنها حق بازی است و دیگری حق شرکت و حضور در ورزش ها و تمرینات بدنی است. ورزش ها و تمرین های بدنی و جسمی در اعتدال شاکله و بنیه بدنی کودکان موثر است چنانکه عضلات را نیرومند می کند، استخوان هارا محکم میسازد و باعث تقویت حواس پنج گانه و به ویژه حس لامسه و حس بینایی کودک می شود. بازی فرصتی را برای کودک فراهم می آورد تا توانایی های جسمی خود را با یکدیگر مقایسه کنند و آن را محک بزنند تا به نتیجه مطلوب برسند.

کودک دلیل بازی کردن خود را نمی داند و توانایی ندارد برای آن علتی بیان کند، ولی با این همه نمی تواند از بازی کردن دست بکشد. برخی از روانشناسان معتقدند: همان طور که کودک نیاز به آب و هوا دارد، نیاز به بازی و سرگرمی نیز دارد (محمدیان، ۱۳۸۶، ۱۴۱).

اسلام علاوه بر اینکه از واپس این تمایل طبیعی کودکان نهی می کند، توصیه می نماید که پدران و مادران، امکانات لازم را برای بازی کودکان فراهم کنند. روایاتی هم در این باره وارد شده که از جمله آنها روایتی از امام صادق (ع) است که می فرمایند: «دَعُ ابْنَكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَ يُؤَدَّبُ سَبْعَ سِنِينَ» (حرعاملی: ۱۹۴، ۱۴۰۹). بگذار فرزندت تا هفت سال بازی کند و سپس هفت سال تعلیم و تربیت ببیند.

آنچه که از این روایت به دست می آید اول حق بازی برای فرزندان و دوم نقشی است که این امر در تأدیب و تربیت اخلاقی و اجتماعی آنان دارد. ترتب لعب (بازی) بر ادب و تعلم (آموزش) علاوه بر این که نشان دهنده نوعی ارتباط میان آنهاست، بازی کودک شیوه ای برای آموزش نیز به شمار می رود (حسینی زاده، ۱۱۷، ۱۳۸۰-۱۲۱).

این حق از لحاظ حقوقی تنها در کنوانسیون حقوق کودک به رسمیت شناخته شده لیکن هیچ گونه تأکیدی بر نقش خاص والدین در این زمینه نشده است و می توان آن را بعنوان یکی از نقیصه و خلأهای قانونی در حق مورد نظر، از منظر اسناد حقوق بشری محسوب کرد. در حالی که در موازین اسلامی علاوه بر به رسمیت شناخته شدن این حق، راهکارهای عینی و عملی به منظور اعمال این حق تعیین شده است. لذا تکالیفی برای والدین به منظور ایجاد زمینه برای برخورداری کودک از حق بازی و ورزش علی الخصوص لزوم مشارکت آنان در بازی کودک مقرر گشته است. یکی از شیوه هایی که در پرورش شخصیت فرزند اثرگذار می باشد، شرکت بزرگسالان خصوصاً والدین در بازی کودکان با آنان است. زیرا کودکان به جهت ضعف و ناتوانی جسمی که در خود احساس می کنند و از طرفی به علت نیرو و قدرتی که در بزرگسالان می بینند و تمایلی که فطرتاً به رشد و تکامل دارند، کارها و رفتار والدین را تقلید می کنند و خود را همانند آنان جلوه می دهند (چنارانی، ۱۳۸۴، ۴۶). لزوم مشارکت مستقیم والدین در بازی های کودکان، اکنون از منظر روانشناسی به عنوان یکی از لوازم تعلیم و تربیت محسوب می شود. در مشارکت والدین در بازی های فرزندان، در روایات نیز تأکید شده است که آنان باید خود را هم بازی کودک قرار دهند و از هرگونه تحمیل اراده خودداری کنند (محمدیان، ۱۳۸۴، ۱۴۵). در این گونه روایات از والدین خواسته شده است که با انجام رفتارهای کودکان، خود را به صورت هم بازی کودک در آورند (شجاعی، ۱۳۸۵، ۵۱).

بازی دارای ارزش های بسیار مهمی من جمله؛ ارزش جسمانی، ارزش تربیتی، ارزش اجتماعی و ارزش آموزشی می باشد. این ارزش ها در رشد روانی و شخصیتی کودک اثرگذار می باشند. از این رو در نظام حقوقی اسلام، «حق بازی» به عنوان یکی از حقوق حائز اهمیت فرزند محسوب می شود (همان، ۲۵۸). حال ممکن است این سوال مطرح شود که چه ارتباطی بین ارزش های مذکور و تربیت فرزند وجود دارد؟

والدین می توانند در ضمن توجه به ارزش اجتماعی بازی و گنجاندن این ارزش در بطن بازی های پرورشی، هم به تربیت کودک بپردازند و هم مفاهیمی چون نوع دوستی، تعاون، الفت با دیگران و حتی ایثار و فداکاری نسبت به افراد دیگر علی الخصوص دوستان خود آموزش دهند (بهشتی، ۵۲، ۱۳۶۶). نکته قابل ذکر این است که پ متأسفانه حقوق کشور ما از حق بازی فرزند به عنوان حقی اساسی چشم پوشی نموده است چنان که اگر والدین، فرزند را از این حق محروم کنند و به عنوان نمونه پدری در راستای تأدیب فرزندش از رفتن وی به کلاس ورزش یا پارک بازی ممانعت به عمل آورد، فرزند وی از لحاظ قانونی دارای هیچ گونه حقی نمی

International Conference on "the Third Millennium and Humanities"

May 11, 2016

کنفرانس بین المللی هزاره سوم و علوم انسانی



باشد. در حالی که به این حق در دین مبین اسلام در رابطه با کودک تأکید بسیار شده و در کلام امامان معصوم نیز همان طور که بیان شد به حق بازی و توجه به آن توسط والدین به صراحت اشاره شده است.

۳-۴. حق تمامت روان

روان کودک مانند جسم او در مرحله ای قرار دارد که نیازمند رشد و کمال است. لذا امنیت روانی، آرامش روحی و مصونیت روان او از هرگونه تعرض و تجاوز جنبه های اثباتی و سلبی حق معنوی تمامت روان در کودکان می باشد (نقیبی، ۱۳۸۲، ۷۷).
به عنوان نمونه از آنجایی که قهر کردن یک روش تأدیبی و تنبیهی است، نباید به طول بینجامد. زیرا طولانی شدن قهر والدین منجر به ایراد خسارت به روان لطیف کودک می شود. بنابراین هرگونه لطمه روانی به کودک، تجاوز به حق تمامت روان او به شمار می آید. این حق نیز به عنوان یکی از مهم ترین حقوق فرزند دارای ابعاد مختلفی است که در ذیل به آن می پردازیم.

۴-۴. حق تکریم شخصیت

تکریم و رعایت احترام فرزند از جمله حقوق مسلم اوست که در دین اسلام نیز به آن سفارش شده است. این حق، ارتباط مستقیمی با نیازهای معنوی و احتیاجات روانی فرزند دارد لذا عمل به آن جزو مسائل حیاتی مربوط به وی محسوب می شود.
روانشناسان یکی از دلایل اساسی در ایجاد عقده های روانی را محترم نبودن فرد در برابر دیگران می دانند که مراعات احترام به کودک، یکی از راه های جلوگیری از پیدایش چنین آسیب روانی می باشد (وزیری، ۱۳۸۳، ۲۳۴). کودک با تکریم شخصیت خود، حس خودباوری و اعتماد به نفس در برقراری ارتباط با دیگران را پیدا می کند که این نیز دارای اهمیت بسیار است. از مهم ترین مصادیق این حق که در اسلام به آن تصریح شده است، خطاب نیکو به فرزند (شعیری، ۱۴۰۶، ۱۲۴)، سلام کردن به آن ها (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۰)، وفای به عهد (نوری طبرسی، ۱۴۰۸، ۱۷۰)، عیب جویی نکردن از آنان (الهندی، ۱۴۲۴، ۵۸۴) و انتظار بجادداشتن از فرزند (حرعاملی، ۱۲۸۸، ۱۹۹) می باشد.
ذکر این نکته حائز اهمیت است که، حق تکریم شخصیت فرزند از جمله حقوقی است که اسلام برای کودک قراردادده است. با وجود اهمیت بسیاری که این حق در رشد روانی و اجتماعی شخص دارد و موارد بسیاری در جامعه مشاهده شده که والدین در راستای تأدیب فرزند خویش به دلیل عدم رعایت و احترام، شخصیت وی را متزلزل ساخته و از لحاظ روانی آسیب هایی جدی به فرزند وارد کرده اند، ضمانت اجرایی در قانون برای والدینی که این حق را از کودک خود سلب می کنند، تعیین نشده است. و قانون گذار ما در این باره هیچ سخنی به میان نیاورده است.

۱-۴-۴. حق آموزش و فراگیری مهارت ها

از مهمترین مباحث حقوق فرزند، مسئله تعلیم و آموزش است. بطوری که در دستورات دینی، بر علم آموزی فرزندان از همان دوران کودکی بسیار تأکید شده و در دنیای امروز این مسئله حائز اهمیت است.
امام علی (ع) می فرماید: «الْعِلْمُ فِي الصَّغَرِ كَالنَّقْشِ فِي الْحَجَرِ» (کراچکی، ۱۴۱۰، ۳۱۹) علم و یادگیری در دوران کودکی همانند نقش روی سنگ (مانند گار) است.

International Conference on "the Third Millennium and Humanities"

May 11, 2016

کنفرانس بین المللی هزاره سوم و علوم انسانی



آموزش و تحصیل کودک و نوجوانان به دلیل موقعیت سنی و امکان روحی و ویژگی های منحصر به فردی که در جهات مادی و معنوی برای آنان فراهم می باشد، از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است و از دیدگاه اسلام به عنوان حقی از حقوق آنان بر والدین محسوب می شود که لازم است نسبت به آن توجه خاص داشته باشند و تمام تلاش خود را در این راه مبذول دارند.

ماده ۴ قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و نوجوانان ایرانی مصوب سال ۱۳۵۳، پدر یا مادر یا سرپرست قانونی را که استطاعت مالی دارد، مکلف می کند که موجبات تحصیل کودک یا نوجوان کمتر از ۱۸ سال خود را فراهم می کند. در صورتی که وی از تحصیل کودک یا نوجوان خودداری کند، به جزای نقدی محکوم می شود و هرگاه پس از ابلاغ حکم، پدر یا مادر یا سرپرست به تکلیف مقرر در حکم دادگاه اقدام نکند، به حبس از یک تا سه سال و تأمین هزینه معاش و تحصیل کودک یا نوجوان خود محکوم خواهد شد.

بر این اساس این نتیجه به دست می آید که هیچ ماده قانونی، فردی را از حق مسلم آموزش و پرورش در هر مرحله یا مقطعی محروم نمی کند و سلب چنین حقی از هریک از افراد اگر چه والدین فرزند باشند و این ممانعت به جهت تأدیب کردن وی باشد، خلاف مقررات و قوانین است.

۴-۲-۴. حق نفقه فرزند

بنابر اهمیت بسیار بالایی که امر تربیت و پرورش فرزند در نهاد خانواده دارد، این حق، به عنوان حقی مهم در حمایت از طفل از لحاظ مالی به منظور تأمین معاش وی در ساختار نظام تربیتی و حقوقی اسلام نهادینه شده است.

این حکم مورد توافق فقها است که نفقه اولاد بر پدر در صورتیکه واجد شرایط باشد، واجب است. در صورت فوت پدر و یا عدم قدرت وی، این تکلیف بر دوش جد پدری نهاده می شود. همچنین بر مادر در صورت نبود آنها یا اینکه قادر به تأمین نفقه نباشد واجب است. و در برابر نفقه والدین نیز در صورتی که نیازمند باشند بر اولاد واجب است.

مرحوم محقق می گوید: به اجماع فقها نفقه اولاد بر والدین و نفقه والدین بر اولاد واجب است (حلی، ۱۴۰۸، ۳۵۳). صاحب جواهر در شرح آن می نویسد: این مساله اجماعی جمیع مسلمین است، تا چه رسد به مومنین و با اخبار مستفیضه، بلکه متواتره تأیید می گردد (نجفی، ۱۴۰۴، ۳۶۶).

ادله ای در راستای وجوب نفقه فرزند بر والدین از جمله آیات قرآن و روایات وارد شده است (طلاق، ۶؛ بقره، ۲۳۳؛ طبرسی ۱۴۱۴، ۴۷) که از مفهوم روایات به دست می آید، مشخص و مبین بودن پرداخت نفقه به عنوان یکی از ضروریات زندگی است که بر عهده سرپرست خانواده گذاشته شده است و فرزند نیز از جمله افرادی است که نفقه دادن به وی از وظایف پدر محسوب می شود. این امر نشان از اهمیت این حق به عنوان یکی از حقوق تأثیر گذار از لحاظ تربیتی و خصوصاً اجتماعی در زندگی کودک دارد. همچنین می توان گفت، دلالت بر عدم اجبار و اکراه افراد بر هر موضوعی مگر در این مورد که اجبار و اکراه نسبت به پدر در پرداخت نفقه به فرزند وجود دارد، بیان کننده حساسیت بالای تأمین نیازهای مالی فرزند از سوی سرپرست خانواده می باشد.

در ماده ۱۱۹۹ قانون مدنی نیز آمده است: «نفقه اولاد بر عهده پدر است، پس از فوت پدر یا عدم قدرت او به انفاق، به عهده اجداد پدری است. با رعایت الاقرب فالاقرب، در صورت نبودن پدر و اجداد پدر و یا عدم قدرت آنها، نفقه بر عهده مادر است. هرگاه مادر هم زنده و یا قادر به انفاق نباشد، با رعایت الاقرب فالاقرب به عهده اجداد و جدات مادری و جدات پدری واجب النفقه است، و اگر چند نفر از اجداد و جدات مزبور از حیث درجه اقربیت مساوی باشند، نفقه را باید به حصه مساوی تادیه کنند».

ذکر این نکته حائز اهمیت است که حق نفقه برای فرزند از حقوقی است که به هیچ وجه قابل اسقاط نیست. بنابراین چه پدر و چه افرادی که در صورت فقدان وی، اعمال این حق را بر عهده دارند، نمی توانند هیچ گاه از آن سرباز زنده. لذا پدر در هیچ زمانی نمی تواند از عدم پرداخت نفقه و عدم حمایت مالی فرزند به عنوان ابزار تأدیب استفاده کند. ترک نفقه یا انفاق طفل و عدم پرداخت مستمری برای امرار معاش فرزند بر تربیت وی آثاری دارد که از جمله آنها می توان به آثار اجتماعی مانند بزهکاری، سرشکستگی روحی در مقابل همسالان و همچنین در اجتماع، عدم توانایی در تأمین نیازهای روزمره و شخصی مانند مخارج تحصیل، دارو و درمان بیماری که در صورت فقدان حمایت های مالی، فرزند تکدی گری را انتخاب می کند اشاره کرد.

International Conference on "the Third Millennium and Humanities"

May 11, 2016

کنفرانس بین المللی هزاره سوم و علوم انسانی



۵. نتیجه گیری

در اینجا خلاصه ای از نتایج بدست آمده بیان می گردد:

- با توجه به اهمیتی که حقوق فرزند در نظام خانواده دارد، این مطلب روشن می گردد که هم جسم کودک و هم روان وی باید از هرگونه لطمه و آزار اگر چه در راستای تأدیب او باشد، مصون بماند.

- تکریم و رعایت احترام فرزند از جمله حقوق مسلم اوست که در دین اسلام نیز به آن سفارش شده است. این حق، ارتباط مستقیمی با نیازهای معنوی و احتیاجات روانی فرزند دارد لذا عمل به آن جزو مسائل حیاتی مربوط به کودک محسوب می شود.

چنانچه والدین به جهت تأدیب فرزند، از دست یافتن وی به حقوق ذکر شده ممانعت نمایند، قانون گذار برای منع کنندگان این حقوق ضمانت اجرایی تعیین نکرده است و ما طبق بررسی های به عمل آمده تنها در چند نمونه از حقوق کودک که به ضمانت اجرا دست یافتیم.

مراجع

۱. ابن منظور، محمد، "لسان العرب"، جلد ۲، ۱ و ۶، چاپ سوم، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر والتوزیع، ۱۴۱۴ق
۲. الهندی، علاءالدین علی المنتقی بن حسام الدین، "کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال"، جلد ۱۶، چاپ دوم، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۴ق
۳. العاملی، سیدمحمد، "نهایه المرام فی شرح مختصر شرائع الاسلام"، جلد ۱، چاپ اول، قم، موسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۳ق
۴. الکلینی، محمد بن یعقوب، "فروع الکافی"، بیروت، دارالصعب، دارالتعارف، ۱۴۰۱ق
۵. امامی، اسدالله و سیدحسین صفایی، "مختصر حقوق خانواده"، جلد ۲، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۱ش
۶. بهشتی، احمد، "اسلام و بازی کودکان"، تهران، انتشارات اداره کل تربیت بدنی وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۶۶ش
۷. بهروز جلیلی، "آیا زمان مرگ child abuse فرا رسیده است"، ششمین همایش بین المللی بیماریهای کودکان، ۱۳۷۴ش
۸. جمعی از مولفان، "مجله فقه اهل بیت علیهم السلام"، (فارسی)، قم، موسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، جلد ۴۱، چاپ اول، ۱۳۷۴ش
۹. چنارانی، محمدعلی، "رفتار پیامبر (ص) با کودکان و نوجوانان"، مشهد، بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، ۱۳۸۴ش
۱۰. حلی، نجم الدین جعفر بن حسن، "شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام"، جلد ۲ و ۳، چاپ دوم، قم، موسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۸ق
۱۱. حسینی زاده، سیدعلی، "سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت (ع)"، جلد ۱، چاپ اول، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۰ش
۱۲. حاجی ده آبادی، محمدعلی، "حقوق تربیتی کودک در اسلام"، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۱ش
۱۳. حر عاملی، محمد بن حسن، "وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه"، جلد ۲۱، چاپ اول، قم، موسسه آل البیت علیهم السلام، ۱۲۸۸ق
۱۴. خراسانی، محمد کاظم، "کفایه الاصول"، چاپ اول، قم، موسسه آل البیت علیهم السلام، ۱۴۰۹ق
۱۵. زهیلی، وهبه، "فقه خانواده در جهان معاصر"، تهران، احسان، ۱۳۸۸

International Conference on "the Third Millennium and Humanities"

May 11, 2016

کنفرانس بین المللی هزاره سوم و علوم انسانی



۱۶. سلطانی نژاد، هدایت الله، "مسئولیت مدنی خسارت معنوی"، چاپ اول، انتشارات نورالثقلین، بهار ۱۳۸۰ ش.
۱. شعیری، محمدبن محمد، "جامع الاخبار"، چاپ اول، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۶ ق
۱۷. شجاعی، محمدصادق، "بازی کودک در اسلام"، قم، مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۵ ش
۱۸. صدوق، محمدبن علی بن الحسین بن بابویه، "من لایحضره الفقیه"، جلد ۲ و ۳، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۱۰ ق
۱۹. طریحی، فخرالدین، "مجمع البحرین"، جلد ۱، قم، موسسه البعثة، ۱۴۱۴ ق
۲۰. طوسی، محمدبن حسن، "تهذیب الاحکام"، جلد ۸، تهران دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰ ق
۲۱. فلاح، مهدی، "حضانت اطفال در رویکرد فقهی و حقوقی"، مجله انسان پژوهی دینی، شماره ۷، ۶، ۵-۲۸، پاییز و زمستان ۱۳۸۴
۲۲. فیومی، محمدبن علی، "مصباح المنیر"، جلد ۹، قم، موسسه دارالهجره، ۱۴۰۵ ق
۲۳. کلینی، ابو جعفر محمدبن یعقوب، "الکافی"، جلد ۱ و ۶، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق
۲۴. کراجکی، محمدبن علی، "کنز الفوائد"، جلد ۱، چاپ اول، قم، دارالذخائر، ۱۴۱۰ ق
۲۵. مجلسی، محمدباقر، "بحارالانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار"، جلد ۲۳ و ۲۳، چاپ دوم، بیروت، موسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ق
۲۶. مکارم شیرازی، ناصر، "تفسیر نمونه"، جلد ۱۲، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۰ ش
۲۷. موسوی خمینی، سیدروح الله، "ترجمه تحریر الوسیله" (برگردان: علی اسلامی)، جلد ۲ و ۳، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۲۵ ق
۲۸. محمدیان، محی الدین بهرام، "نگاهی دیگر به حقوق فرزندان از دیدگاه اسلام"، تهران، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان، ۱۳۸۶
۲۹. موسوی بجنوردی، سید محمد بن حسن، "قواعد فقهیه"، جلد ۲، چاپ سوم، تهران، مؤسسه عروج، ۱۴۰۱ ق
۳۰. مرعشی، سید محمدحسن، "دیدگاه های نو در حقوق"، جلد ۱، چاپ دوم، تهران، نشر میزان، ۱۴۲۷ ق